

دکتر مسعود اخوان کاظمی

(استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه رازی)

سارا ویسی

(کارشناس ارشد علوم سیاسی دانشگاه تربیت معلم)

## علویان سوریه

### از شکل‌گیری تا قدرت‌یابی<sup>(۱)</sup>

(۳)

در شماره گذشته (خرداد ۱۳۹۲) در مورد وضع علویان سوریه در زمان حکومت امپراتوری عثمانی و ورود آنان در ارتقش و دستگاه‌های امنیتی دولتی و عضویت در حزب بعث و تسلط کامل حافظ اسد بر سوریه مطالبی تقدیم نمودیم و اینک ادامه مطلب:

اهمیت راهبردی سوریه در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری عربی سوریه با مساحتی قریب به ۱۸۰/۱۸۵ کیلومتر مربع، هشتاد و هفتین کشور جهان از نظر وسعت محسوب می‌شود. این کشور در منطقه آسیای غربی و در نقطه اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و حد فاصل اروپای غربی و خاورمیانه نفت خیز قرار دارد که همین امر در طول تاریخ، جایگاهی راهبردی به این کشور بخشیده است. از سوی دیگر، واقع بودن بر کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با قلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، به وضوح اهمیت ژئوپلیتیکی و نقش راهبردی این کشور را در مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی نمایان می‌سازد. به دلیل همین اهمیت و نقش راهبردی، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌المللی، سوریه را «بزرگ‌ترین

۱. نصیل‌نامه علمی-پژوهشی «شیعه‌شناسی»، سال دهم / شماره ۲۸.

کشور کوچک جهان» لقب داده‌اند. این کشور می‌تواند از طریق بنادر «بانیاس» و «طرسوس» در ساحل مدیترانه، مسیر بسیار مهمی برای صادرات نفت و گاز عراق و ایران به اروپا باشد. مسیر سوریه، وابستگی عراق و ایران را برای صادرات انرژی به خلیج فارس، کanal سوئز و حتی ترکیه تقلیل می‌دهد. این موقعیت، باعث برانگیخته شدن حس رقابت ژئوپلیتیکی ترکیه با سوریه گشته است<sup>(۱)</sup>.

موقعیت سوریه در خاورمیانه نیز قابل تأمیل است. در میان کشورهای عربی خاورمیانه، اکنون تنها سوریه است که سکاندار مبارزه با توسعه طلبی رژیم اشغالگر و جعلی اسرائیل است. حمایت از مقاومت اسلامی لبنان و فلسطین در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و مخالفت با روند سازش و به رسمیت‌شناختی رژیم صهیونیستی، دلایلی بر صدق این مدعای است. در حال حاضر، تمام منابع اسرائیلی بر خطر سوریه تأکید دارند و آن را از لحاظ سیاسی و نظامی به عنوان خطری بر ضد منافع اسرائیل و اهداف آن در منطقه قلمداد می‌کنند. این اظهار نظرها، به ویژه پس از حضور نظامی سوریه در لبنان، از شدت بیشتری برخوردار شده است. کوشش‌های مستمر شوروی (سابق) در جهت تقویت بنیه نظامی سوریه سبب شد تا وضعیت ارتش سوریه از لحاظ کمی و کیفی در بین دیگر نیروهای نظامی عرب هم‌جوار با اسرائیل، در مرتبه نخست قرار گیرد. نزدیکی دیدگاه رهبران سوریه به جمهوری اسلامی ایران و قرار گرفتن این کشور در محور ایران، از عوامل دیگری است که بر اهمیت و نقش راهبردی سوریه در معادلات جهانی و منطقه‌ای افزوده است<sup>(۲)</sup>.

**گروه‌های قومی، نژادی و مذهبی در سوریه**  
سوریه؛ کشوری متخلک از گروه‌های نژادی و قومیت‌های گوناگون است. سازمان

۱. <http://www.eyenak90.bloqfa.com>

۲. ر.ک: تحقیقی رد اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی سوریه. ۲۰۱۱ در <http://www.tebyan.net>:

اطلاعات مرکزی آمریکا (CAI) در کتابی با عنوان حقایقی درباره جهان، که هر ساله منتشر می‌کند و بدان‌وسیله اطلاعاتی را درباره مسائل عمومی کشورهای جهان ارائه می‌دهد، جمعیت سوریه را در سال ۲۰۰۹، قریب ۵۰۰/۶۰۱ نفر و شاخص رشد سالیانه آن را ۱۲۹/۲ درصد تخمین زده است. از این میزان، عرب‌ها ۸۷ درصد جمعیت ذکر شده را تشکیل می‌دهند که عمدتاً در مرکز و غرب کشور سکونت دارند. ۱۳ درصد باقی متعلق به سایر اقلیت‌های قومی است که از میان آن‌ها کردها، که بیشتر در نواحی شمال و شمال شرقی کشور زندگی می‌کنند، ۹ درصد جمعیت این کشور را شامل می‌شوند و در حقیقت، بزرگ‌ترین اقلیت قومی این کشور به شمار می‌آیند. سپس آرامی‌ها یا آشوری‌ها ۳ درصد و ارمنی‌ها، چرکس‌ها، ترکمن‌های سوری، کلدانی‌ها و سایران ۱ درصد باقی مانده جمعیت سوریه را تشکیل می‌دهند. همچنین بیش از ۸/۱ میلیون سوری در سایر کشورها، بهویژه کشورهای آمریکای جنوبی و شمالی و نیز استرالیا و برخی کشورهای اروپایی، زندگی می‌کنند. سوریه همچنین پذیرای گروههای زیادی از پناهجویان طی یک قرن اخیر بوده است که از این میان، می‌توان به قریب ۴۵۰/۰۰۰ پناهنه فلسطینی پس از جنگ ۱۹۴۸، ۱۵۰۰/۰۰۰ اپناهنه عراقی پس از اشغال آن کشور توسط آمریکا، و هزاران پناهنه دیگر لبنانی، در طی جنگ داخلی آن کشور اشاره کرد<sup>(۱)</sup>.

جمعیت سوریه همچنین از پیروان ادیان گوناگون از جمله اسلام، مسیحیت و تعداد اندکی یهودی تشکیل می‌شود. با این حال، بیش از ۸۶ درصد جمعیت آن را مسلمانان تشکیل می‌دهند که در این میان، اهل سنت با بیشترین میزان جمعیت قریب به ۷۴ درصد، عنوان «اکثریت مذهبی» در این کشور را به خود اختصاص داده‌اند. پس از این گروه، علویان ۱۰ درصد، مسیحیان ۱۰ درصد، دروزیان ۳ درصد و اسماعیلیان ۵/۱ درصد کل سنکه این سرزمین را در بر می‌گیرند<sup>(۲)</sup>. گروههای دینی مزبور نیز در مناطق جغرافیایی گوناگون سکونت دارند. اهل سنت، که در سراسر کشور پراکنده‌اند، تنها در دو استان «سویداء»،

۱. سوریه، بی‌نا، ۲۰۱۱ در <http://ft.wikipedia.org>  
۲. U.S.Department of State, 2003 see

«لاذقیه» در اکثریت نیستند، زیرا در استان «سویداء» دروزی‌ها با بیش از ۹۰ درصد جمعیت، اکثریت مطلق را دارند و اکثریت جمعیتی در استان «لاذقیه» نیز به طور مطلق و با بیش از ۹۰ درصد جمعیت، در اختیار علوی‌هاست. سنّی‌ها در استان «حسکه» نیز اکثریت به شمار می‌روند، اما در این استان، کردهای سنّی بیش از عرب‌های سنّی هستند. مسیحیان این کشور نیز غالباً در دمشق و شهرک‌هایی در «لاذقیه»، «حمص»، و «درعا» و نیز در «حسکه» سکونت دارند. شیعیان جعفری در منطقه‌ای میان «حمص» و «حلب» متمرکز شده‌اند و ۱۵ درصد ساکنان استان «حماة» را تشکیل می‌دهند. اسماعیلیان نیز غالباً در منطقه «السمیع» در استان «حماة» سکنی گزیده‌اند<sup>(۱)</sup>.

### علویان و ظهور جریانات اسلام‌گرا

طی نیم قرن گذشته، گروه‌های اسلام‌گرای سیاسی متعددی به منظور به چالش کشیدن رژیم‌های استبدادی و سکولار در خاورمیانه ظهر کردند. اوج این وضعیت را می‌توان در سال ۱۹۷۹ م دید که طی آن، نهضتی اسلامی توانست شاه ایران را از قدرت به زیر اندازد. از آن تاریخ به بعد، سیاست‌مداران غربی - و در رأس آنان آمریکا - همواره نگران بوده‌اند که مبادا دیکتاتورهای سکولار عرب منطقه، با مخالفت‌ها و نهضت‌های مشابهی مواجه گشته، سرنگون گردند؛ سوریه سکولار، از جمله کشورهایی است که به ویژه طی دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، با چالش‌های خشونت‌آمیزی از جانب چتین گروه‌ها و جریاناتی مواجه گردیده است. جنبش‌ها و گروه‌های افراط‌گرای غالباً سنّی مذهب، همچون جنبش «اخوان المسلمين»، «حماس» و نیز نهضت‌های شیعه مذهبی همچون «حزب الله» از مهم‌ترین تهدیداتی هستند که در کوتاه‌مدت و یا بلندمدت می‌توانند حیات رژیم سکولار خاندان اسد را با چالش مواجه سازند. به خلاصه‌ای از اعتقادات و اهداف این جنبش‌ها و نیز واکنش دولت سوریه در قبال آن‌ها توجه کنید.

۱. سوریه، بی‌نا، ۲۰۱۱ در: <http://ft.wikipedia.org>

الف. اخوان‌المسلمین همزمان با تلاش‌های حافظ اسد برای تحکیم پایه‌های قدرتش، «اخوان‌المسلمین» یک جنبش سلفی سنی مذهب، که از مصر سر برآورد و به سرعت در سراسر منطقه در حال گسترش و قدرت‌گیری بود، به عنوان تهدیدی علیه رژیم تازه‌بنیاد سوریه مطرح گردید. این جنبش در پی بازگرداندن اقتدار جهانی اسلام به وسیله حاکمیت قانون شریعت به رژیم‌های دیکتاتور و سکولار عرب خاورمیانه واژ جمله سوریه بود. «اخوان‌المسلمین» به سرعت در میان جمعیت سنی مذهبی، که اکثریت ساکنان سوریه را تشکیل می‌دادند، محبوبیت یافت و بدین‌سان، حکومت حافظ اسد به سادگی و به دلیل اقدامات سکولاریستی‌اش، در معرض انتقاد و مخالفت‌های این جنبش قرار گرفت.

مخالفت مسلمانان اهل سنت در قالب جنبش «اخوان‌المسلمین» با حکومت فرقه‌گرای علوی سوریه در اوخر دهه ۷۰ و اوایل دهه ۸۰ میلادی افزایش یافت. این مخالفت‌ها در قالب ترورهای سیاسی افسران نظامی علوی و کارگزاران دولتی و نیز مقامات حزب «بعث» آشکار گردید. این نوع کشمکش‌های چریکی در فوریه ۱۹۸۲ به اوج خود رسید، زمانی که گروهی از اعضای «اخوان‌المسلمین»، یک شورش نظامی را در شهر «حماء» به راه انداختند و پس از کشتار دهانه‌تن از مقامات دولتی و نظامی، کنترل شهر را به دست گرفتند<sup>(۱)</sup>. دولت اسد، که از اقدام این جنبش به شدت خشمگین و نگران شده بود، تصمیم به محاصره شهر و بمباران آن گرفت. در پی این اقدامات، قریب چند هزار تن از مخالفان حافظ اسد قتل عام و «حماء»، ویران شد. سپس در ورودی این شهر، تندیس بزرگی از حافظ اسد برپا شد، در حقیقت، این واکنش از جانب دولت اسد، پیام سیاست «مشت آهنین» به تمامی مخالفان در سراسر سوریه بود که به موجب آن، اعلام می‌شد علویان در رأس حکومت باقی خواهند ماند و با هیچ مخالفت و دگراندیشی مدارا نخواهد شد<sup>(۲)</sup>.

این سرکوب قاطعانه و نیز اقدامات دیگری همچون بازداشت فعالان سیاسی و اعضای جنبش «اخوان‌المسلمین» که دولت برای حفظ خویش در رأس قدرت به کار بست،

این نهضت و نهضت‌های مشابه را از هرگونه شورش و مخالفت مشابه دیگری تا سال‌های اخیر باز داشته بود. با وجود این، امواج نهضت‌های ضد استبدادی اخیر در جهان عرب، امروزه به سوریه نیز رسیده و بخصوص علاوه بر ابعاد ظلم‌ستیزانه‌ای که دارد، در سوریه حرکتی برخاسته از سوی اکثریت سنی‌علیه اقتیات حاکم علوی نیز ارزیابی می‌گردد.

ب. بنیادگرایان جهادی (حزب الله - حماس) در حالی که حافظ اسد با قاطعیت تمام، با سلفی‌گرایی سیاسی «اخوان‌المسلمین» در «حماه» برخورد می‌کرد، در دهه ۹۰ شاهد ظهور و افزایش قدرت بنیادگرایان جهادی در دو جبهه شیعه و سنی بود. این جریانات بنیادگرا در قالب گروه‌های «حزب الله» (در لبنان) و «حماس» (در فلسطین)، با هدف «اخوان‌المسلمین» برای سلطه بر حکومت‌های سکولار طبق قانون شریعت، هم‌جهت شدند. هدف آنان نیز راندن نامسلمانان و کافران از منطقه خاورمیانه و واژگون ساختن رژیم‌های مرتد و جایگزینی حکومت‌های اسلامی بود. برخلاف آنچه انتظار می‌رفت، سوریه هم اقدام به حمایت و تأیید جریانات مزبور کرد<sup>(۱)</sup>.

سوریه از ۱۹۷۶ به حضور خود در خاک لبنان تداوم بخشیده است. این حضور گرچه هم از لحاظ مالی و اقتصادی به زیان سوریه بوده و هم مشروعيت بین‌المللی را که رژیم سوریه برای مقابله با تهدیدات داخلی بدان سخت نیازمند است، خدشه‌دار ساخته، با این حال، امروزه نیز حتی با وجود فشارهای بین‌المللی که اکثریت ارتش سوریه را ناگزیر به ترک لبنان نموده، گروه کوچکی از ارتش خود را همچنان در خاک لبنان باقی نگه داشته است<sup>(۲)</sup>.

۱. از سال ۱۹۷۹، سوریه به علت حمایت از گروه‌های رادیکال مذهبی و ضد اسلامی در ایران، لبنان و فلسطین، به دفعات توسط دولت ایالات متحده آمریکا در فهرست کشورهای حامی تروریسم بین‌المللی قرار گرفته است. این در حالی است که ایالات متحده از سوریه به خاطر کمک در ردیابی و دستگیری اعضای تروریست سارمان «القاعده» که توسط اسامه بن لادن تأسیس گشته تقدیر کرده است (Prados & Shaep, 2005, p.17).

Savin, 2007, p.8. ۲

طرفداران نظریه «هلال شیعی»<sup>(۱)</sup> برآنند که علت حضور مستمر سوریه در لبنان

این است که سوریه در پی آن است که «حزب الله» را در تلاشش به منظور تسلط بر حکومت لبنان و هدفش برای تأسیس یک حکومت دینی شیعی یاری رساند. به اعتقاد حامیان این نظریه، حمایت‌ها و کمک‌های سوریه از «حزب الله» و نیز اشغال بخش‌های وسیعی از خاک لبنان، در تکمیل هلال شیعی مؤثر خواهد افتاد. با این حال، شواهد حاکی است که تأسیس یک حکومت شیعی بنیادگرا در لبنان، به طور کامل و صدرصد مذکور و مورد علاقه رژیم علویان سوریه نیست. برای فهم این مسئله و این که چرا نیروهای سوری در لبنان مستقر شده‌اند، لازم است ابتدا به ارتباط سوریه با اسرائیل توجه کنیم:

دولت مستقل سوریه در ۱۹۴۸، مورد هجوم ارتش اسرائیل واقع و به آسانی، توسط آن درهم شکسته شد. این شکسته سرآغاز شکست‌هایی بود که در یک ربع قرن از ناحیه اسرائیل بر سوریه تحمیل شد و سرانجام، در ۱۹۷۳ به اوج خود رسید؛ جنگی که به تصاحب ارتفاعات جولان توسط اسرائیل تا به امروز منجر گشته است. در حقیقت، لبنان سال‌ها صحنه نبرد اسرائیل و سوریه بوده و این دو دولت طی دهه ۸۰، مکرر در خاک لبنان باهم درگیر بوده‌اند (Kaplan, 1993, pp. 22-27).

۱. در سال‌های اخیر، وقوع تحولاتی همچون سرنگونی رژیم استبدادی و سکولار پهلوی توسط گروه‌های شیعی در ایران، سقوط رژیم بعثی در عراق، و پیروزی‌های چشمگیر «حزب الله» لبنان طی نبرد ۳۳ روزه در مبارزه با اسرائیل، موجب شده است تا بسیاری از آن در هراس باشند که تشکیل یک «بسطلاح-هلال شیعی» توسط ایران، عراق، لبنان و به طور کلی شیعیان ساکن در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه، عملاً عرصه را بر حکومت‌های عمدتاً سنتی‌مذهب تنگ‌تر و مانع آنان را در آینده تهدید کند. این طرح، که انگیزه اصلی از طرح آن، مقابله با محوریت بلامنازع ایران در جهان تشیع است، توسط ملک عبدالله، پادشاه اردن، ارائه گردید و از سوی رژیم‌های ایالات متحده، بریتانیا، اسرائیل، مصر و عربستان مورد تأیید و استقبال قرار گرفت. برخی از تحلیل‌گران، هدف آشکار این طرح را عبارت از شکل‌گیری یک هلال ژئوپلیتیک می‌دانند که از ایران و به رهبری ایرانیان آغاز می‌شود، عراق و سوریه را دربرگرفته و با «حزب الله» لبنان و «حماس» در فلسطین پایان می‌پذیرد. این مجموعه ژئوپلیتیک، که نمای جغرافیایی اش هلال مانند ترسیم شده است و بزرگ‌ترین منابع سوخت فسیلی جهان، از خلیج فارس تا دریای خزر را در اختیار دارد، به اعتقاد ملک عبدالله، قصد دارد تا از طریق گسترش عملیات تروریستی و انتشاری «حزب الله» و «حماس» بر جهان اسلام برتری یابد و اسرائیل را از میان بردارد (احمدی و حافظ‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۳).

از سوی دیگر، «حزب الله» طی نبرد ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، توانست نیروهای اسرائیلی را درهم بشکند و محبوبیت قابل توجهی در بین مسلمانان جهان برای خود ایجاد کند. این مسأله به همان اندازه که در غرب باعث بروز نگرانی‌هایی شد، در دمشق نیز نگرانی‌هایی ایجاد کرده است. پس از اسد امروزه از قدرت همواره در حال افزایش «حزب الله» در هراس است. این مسأله می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد مشکلات و نگرانی‌هایی گردد که ابتدا قریب ۵هزار علوی ساکن در لبنان و در بلندمدت رژیم علویان دمشق را در معرض تهدید خود قرار دهد (Copley, 2005, pp. 20-22). سوریه گرچه حمایت خویش از جهادگرایان اهل سنت «حماس» را نیز اعلام کرده و در جدال میان متجاوزان اسرائیلی و مسلمانان فلسطینی، جانب نمایندگان مبارز فلسطین گروه «حماس» را نگه داشته است، با وجود این، پیروزی فلسطین در این مبارزه می‌تواند منشأ نگرانی‌های دیگری برای رژیم سوریه باشد.

به طور کلی، سوریه یک کشور غالباً سنّی مذهب و دارای حکومت سکولار است و تاکنون دلایلی به دست نیامده که حاکمی از آن باشد که علویان سوریه به شکل‌گیری یک هلال ژئوپلیتیک شیعی به رهبری ایران علاقه‌مندند. درگیری سوریه در مسائل لبنان و فلسطین همچنین می‌تواند ناشی از این حقیقت باشد که دمشق می‌کوشد تا با توصل به ابزارها و روش‌هایی که قدرت مانور اسرائیل را در منطقه محدود می‌کند، ارتفاعات جولان را همراه با دیگر سرزمین‌های اشغال شده عربی آزاد سازد. بدین روی، به نظر می‌رسد همکاری‌های سوریه با ایران و یاری دادن به «حماس» و «حزب الله» جنبه‌ای تاکتیکی دارد و به منظور حل مشکلات سرزمینی آن صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، سوریه را نمی‌توان با هیچ انگیزه یا مستنداتی، به ژئوپلیتیک شیعی منسوب نمود<sup>(۱)</sup>.

ادامه دارد

۱. احمدی، و حافظنیا، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸ - ۱۷۹.